

## الگوهای سیاست خارجی عمان

Song Jiangbo<sup>۱</sup>, Wang Zezhuang<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۱۲

### چکیده

کشور عمان در امتداد دریای عربی واقع گردیده است و سویی دیگر در جنوب تنگه هرمز قرار گرفته است. سیاست خارجی عمان از دهه ۱۹۷۰ تحت تاثیر سیاست‌های سلطان قابوس ابن سعید در جهت خروج از انزوای طلبی حاکم پیشین عمان، سلطان سعید ابن تیمور، و ایجاد همگرایی در هر دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی تغییر نموده است. عمان همچنین در جهت اختلافات منطقه‌ای سعی نموده در در مواردی به عنوان یک واسطه عمل کرده است. حضور بیشتر عمان در سیاست‌های منطقه‌ای که سعی دارد با حفظ اصل بی‌طرفی آن را به پیش برد و در عین حال نقش فعال ولی در سایه این کشور در حل و فصل مناقشات منطقه‌ای باعث می‌گردد که بررسی سیاست‌های جدید خارجی این کشور لازم بنظر رسد. لذا، در این مقاله تلاش می‌گردد که برای شماری از مهمترین پرسش‌ها در این مسئله پاسخی مناسب یافت گردد. این سوالات عبارتند از: اصول نوین سیاست خارجی عمان شامل چه مواردی می‌گردد؟ روابط بین عمان و بازیگرهای مهم منطقه‌ای - بطور خاص آمریکا، ایران و عربستان - چگونه است؟ این مقاله در مرحله اول سیاست خارجی عمان را در چهارچوب ژئوپلیتیک تاریخی مورد مطالعه قرار می‌دهد و در ادامه بر نقش عمان در حل و فصل مسائل منطقه‌ای تمرکز می‌گردد. در انتها نیز سعی می‌گردد که پیش‌بینی سیاست‌های آتی این کشور در منطقه پرداخته شود.

**واژه‌گان کلیدی:** عمان، سیاست خارجی عمان، ایران، آمریکا، خاورمیانه.

<sup>۱</sup>. Phd Candidate of International Relation Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

✉Responsibleauthor)

thatbahmansong71@gmail.com

<sup>۲</sup>. Professor International Relation Anhui University, Anhui, China.

## مقدمه

کشور عمان به جز دوره ای کوتاه از حکومت فارسی عمانی ها از سال ۱۶۵۰ پس از اخراج پرتغالی ها تاکنون مستقل بوده اند. حکومت السید در سال ۱۷۴۴ آغاز شد. وی نفوذ عمانی ها را تا زنجیبیار و سایر بخشهای شرق آفریقا تا سال ۱۸۶۱ گسترش داد. سلطان قابوس بن سعید السید در نوامبر سال ۱۹۴۰ متولد شد. وی که هشتمین پادشاه این کشور است در جولای ۱۹۷۰ با حمایت انگلستان به پادشاهی رسید. وی پدرش سلطان سعید السید ابن تیمور السید را مجبور ساخت که کناره گیری کند.

موقعیت ژئواستراتژیک این کشور در ساحل جنوبی تنگه هرمز، الزامات اقتصاد نفتی این کشور و تهدیداتی که توسط رژیمهای همسایه قویتر به خصوص ایران و عربستان سعودی به سیاست سلطان قابوس شکل بخشیده است. سیاست خارجی عمان به عنوان یک نتیجه اهداف سلطان قابوس و روابط و توافقات رژیم با بریتانیا و ایالات متحده غیرقابل مصالحه و همسوی با منافع کشورهای غربی در منطقه بوده است. عمان در موارد بسیاری به عنوان یک واسطه در منطقه عمل کرده است. در زمان جنگ ایران-عراق (۱۹۸۰-۸۸) مذاکرات مخفیانه خود را در رابطه با آتش بس در مسقط انجام دادند. (Korany, Dessouki: 1991) اگرچه هیچ توافق رسمی ای حاصل نشد، مذاکرات عدم اطمینان را در بین دو طرف کاهش داد. به طور مشابه، بعد از ۱۹۸۸ عمان به عنوان یک واسطه در احیای روابط دیپلماتیک بین ایران و بریتانیا و ایران و عربستان سعودی عمل کرده است.

## ژئوپلیتیک

به عنوان یک عضو از شورای همکاری خلیج فارس، عمان به عنوان یک کشور در خلیج فارس نگرسته می شود. چشم انداز سیاست خارجی عمان در هر حال به وسیله یک

واقعیت ژئوپلیتیک کاملاً متفاوت از سایر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس شکل گرفته است. تنها چند مایل از سواحل غربی این کشور (شبه جزیره مسندم) در خلیج فارس قرار دارد. ساحل شرقی مسندم و حدود ۱۰۰۰ مایل از خط ساحلی شرقی / جنوبی عمان (برابر با طول خط ساحلی اقیانوس آرام از سن دیگو تا سیناتل) در خلیج عمان و دریای عربی در اقیانوس هند واقع شده است.

در هر حال موقعیت مکانی عمان سبب شد یک هدف مهم برای حمله و تهاجم باشد. در طول قرن ها، عمان چندین بار توسط ایران مورد حمله قرار گرفت اما با این حال توانست استقلال خود را حفظ کند. در پایان قرن پانزدهم (۱۴۹۸) یک قدرت دریایی مهم دیگر در اقیانوس هند از راه رسید: پرتغال. پرتغال که نسبت به اندازه نیروی دریایی عمان هشیار بود که می توانست تهدیدی برای مسیر تجاری تازه کشف شده اقیانوس هند به سمت هند و شرق دور باشد، در اوایل قرن شانزدهم با عمان وارد جنگ شد. در نهایت پرتغال در این منازعه دریایی موفق شده و شهرهای مهم ساحلی عمان را از ۱۵۰۷ تا زمان اخراج شان از این شهرها در ۱۶۵۰ توسط ناوگان دریایی تازه تاسیس شده عمان، اشغال کرد. (Jones, Ridout: 2015)

جغرافیای استراتژیک عمان نیز فرهنگ و جامعه‌ای به شدت جهان شهری را ایجاد کرده و فرصت های اقتصادی بالقوه فراوانی به وجود آورده است. عمان نسبت به کشورهای شمالی خلیج عربی به هند و پاکستان نزدیک تر است. با توسعه بندر صلاله در اقیانوس هند، که تقریباً در ۱۰۰ مایلی مرز این کشور با یمن قرار دارد، عمان امیدوار است خود را دروازه ای برای تجارت بین المللی با جنوب آسیا ببیند. رشد اقتصادی گسترده بازار جنوب آسیا در چند سال گذشته به ویژه در هند (که خود را به عنوان یک کشور دموکراسی با سریع ترین

رشد بازار آزاد در جهان مطرح کرده است) شرایط مساعدی برای عمان فراهم کرده است. بنابراین جغرافیا، تاریخ و اقتصاد دست به دست هم داده اند تا عمانی ها به جای نیروی داخلی، به بیرون از کشور خود چشم داشته باشند.

با اینحال مسقط نمی تواند این واقعیت را نادیده بگیرد (و خواستار این کار نیز نیست) که شبه جزیره مسندم، این کشور را به یکی از محافظان تنگه هرمز و در نتیجه محافظ تجارت خلیج فارس تبدیل کرده است. بعلاوه، خط ساحلی تقریباً ۲۰۰ مایلی عمان که از مسقط تا مرز این کشور با امارات کشیده شده، به عنوان دروازه تجارت دریایی و ورود و خروج به خلیج فارس به کار می رود. هر روز ۳۰-۴۰ درصد تامین نفت جهانی از تنگه هرمز عبور می کند. حتی مهمتر از آن، کانال های اصلی آب عمیق و خطوط کشتیرانی در تنگه هرمز، در آب های عمان واقع شده است. عمان به ویژه برای قدرت های غربی جهت حفظ امنیت شان در ورود به خلیج فارس، اهمیت استراتژیک کلیدی خواهد داشت.

کمک امنیتی امریکا به عمان از ۱۹۸۰ بر اساس موقعیت استراتژیک این کشور در رابطه با خلیج فارس بوده است و موقعیت آن در رابطه با جنوب آسیا اهمیت چندانی برای امریکا نداشته است. عمان به دنبال این نبوده که خود را مجدداً تبدیل به یک قدرت دریایی اقیانوس هند کند و امروز نیروی دریایی کوچکی دارد که بیشتر برای دفاع از خط ساحلی و انجام عملیات های ضد قاچاق مواد مخدر و کالا به کار می رود. (Lefebvre: 2010)

با اینحال موقعیت جغرافیایی سبب شده این کشور بیشتر از اینکه یک کشور خلیج فارس باشد، یک کشور اقیانوس هند محسوب گردد. (Manea, 2005) ارزیابی امنیتی مسقط از تحولات خلیج عموماً کمتر از باقی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس (و امریکا)

هشدار دهنده است، و درهای این کشور برای توافق دیپلماتیک با همسایه ایرانی خود که در ۱۰ مایلی تنگه هرمز قرار دارد باز می ماند.

## تاریخ دیپلماتیک مهم عمان

پیش از ۱۹۷۰

فقدان تاریخی اتحاد و استقلال عمانی ها موجب ناامنی شدید برای سلطنت شد. از شروع حکومت البوسعیدی در ۱۷۴۹، سلاطین متوالی ضرورتا برای حفاظت در مقابل چالش های امامت نسبت به قلمروشان به انگلیس تکیه کردند. امامت یک سیستم دست کم هزار ساله است که توسط رهبران مذهب اباضیه عمان تاسیس شد. موضوع اصلی تاریخی سلطنت به مدت تقریبا دو قرن بر شورش های امامت و استقلال از کمک انگلیس متمرکز بوده است. به این ترتیب آسیب پذیری، مشکلات اقتصادی و اختلافات داخلی اساسی برای این کشور پدید آمد.

در نگاهی به گذشته، دوره بین اولین امامت اباضیه در ۷۹۹ پس از میلاد و حکومت البوسعیدی در ۱۷۴۹ نزاع قبیله ای مداوم را شاهد بود. اختلافات داخلی طولانی مدت سبب شد عمان نسبت به مداخله خارجی آسیب پذیر شود و دقیقا به همین علت بود که پرتغال (۱۵۰۸-۱۶۴۸) و ایرانیان (۱۷۴۳-۱۷۴۹) توانستند در دوره هایی این کشور را اشغال کنند. در واقع جنگ قبیله ای در سراسر شبه جزیره عرب و هر ده کشور آن رواج داشت اما سیاست انگلیس در عمان، به شیوه ای که خاص این کشور بود اختلافات را دامن می زد. تاثیر انگلیس در عمان از ۱۷۹۸ با اولین «پیمان مودت» آغاز شد. امضای این پیمان سبب شد امامت اباضیه، مشروعیت حکومت سلطان را رد کند. در ۱۸۱۹ پس از سال ها نزاع،

انگلیس مسئولیت اراضی ساحل عمان شمالی (ساحل متصل‌الحه) را بر عهده گرفته و آن را از قلمرو پادشاهی عمان جدا کرد. در ۱۸۶۱ کیننگ اوارد نیز مسقط را از زینبار جدا کرده و سقوط اقتصادی و وابستگی این کشور به «پرداخت‌های» انگلیس برای اداره قلمروش تحت تاثیر این کشور را تضمین نمود. به این ترتیب یک عمان دوگانه پدید آمد که یکبار دیگر در ۱۹۲۰ با پیمان السیب نهادینه شد. (Owtram, 2004) این راه حلی با وساطت انگلیس برای نزاع امامت-سلطنت بود که عمان را به دو نیم تقسیم کرده و خودمختاری داخلی بیشتری به امامت داد. نزاع ریشه دار بین سلطنت و امامت به دلیل عدم پذیرش سیستم سلطنت موروثی از سوی امامت بود- انتخاب با اتفاق آرا یکی از سنت‌های اباضیه است. تاثیر دریا برد مسقط در تجارت و استعمار، با تاثیرات اسلامی و قبیله ای امامت در رقابت است که بُعدی فلسفی نیز به این نزاع داده است. تاثیر خالص آن این بوده که سلطنت از نظر اقتصادی ضعیف مانده، و از نظر سیاسی به بلوغ نرسید و برای تضمین حفظ رژیم خود به قدرت خارجی متکی شد. این نزاع داخلی تقسیماتی به وجود آورد که از نظر حقوقی تا اواخر دهه ۱۹۵۰ وجود داشت. بی تردید شورش‌های داخلی در طول دهه ۱۹۵۰، ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ در بریمی، جبل‌الاکبر، و ظفار جلوه‌های مدرن تقسیمات تاریخی بین امامت و سلطنت بود. اما پشتیبانی مصر، عراق و عربستان سعودی از این شورشی‌های امامت نیز یک بُعد منطقه‌ای اضافه کرد که تنش‌ها را تشدید نمود. آسیب پذیری محیط داخلی تقسیم شده عمان با اضافه شدن عوامل بین‌المللی پیچیده تر شد، از جمله با فراهم کردن پشتیبانی مالی و مادی در نزاع مسقط از سوی شوروی و چین که به منظور تلاش‌هایی برای جنگ سرد خودشان این اقدامات را انجام می‌دادند. درس تاریخی برگرفته از این نزاع‌ها این است که مداخله تاریخی، تقسیمات داخلی کشور را وسعت می‌دهد و به

همین علت است که باید از مداخله داخلی اجتناب کرد، و بنابراین استقلال عمان برای ثبات این کشور امری ضروری است.

دهه ۱۹۷۰

در ۱۹۷۱ عمان به سازمان ملل و «اتحادیه کشورهای عرب» پیوست. مهمتر از آن، در میانه دهه ۱۹۷۰ با کمک نیروهای نظامی انگلیس و ایران، سلطان قابوس تحت کنترل شورش کمونیستی ظفار درآمد که در طول دهه ۱۹۶۰ در جنوب غربی عمان آغاز شده بود. با پایان دهه ۱۹۷۰، شرایط سیاسی داخلی عمان تثبیت شده بود و به سلطان قابوس امکان داد توجه بیشتری معطوف سیاست خارجی و اجرای سیاست استقلال (حفظ آزادی عمل)، مصلحت‌گرایی (اثبات انعطاف‌پذیری در دستیابی به توافق با قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی) و میانه‌روی (اجتناب از موضع‌گیری‌های افراطی و پشتیبانی از وضعیت موجود نظامی-سیاسی پایدار منطقه‌ای) کند تا منافع سیاست خارجی عمان تضمین گردد.

سلطان قابوس در ۱۹۷۸-۷۹ با امضای پیمان کمپ دیوید (سپتامبر ۱۹۷۸) و پیمان صلح مصر-اسرائیل (مارس ۱۹۷۹) اولین هجوم خود به این میدان مین سیاسی را انجام داد. عمان (همراه با سودان و سومالی) با عملکردی برخلاف جریان نظرات اعراب و تصمیمات اتحادیه کشورهای عرب که خواستار گسست روابط دیپلماتیک کشورهای عضو با قاهره بودند، از انجام خواست آنها سرباز زد. تصمیم عمان به تنها نگذاشتن قاهره در پیگیری سیاست انور سادات رییس جمهور مصر برای صلح با اسرائیل، نمونه‌ای از سیاست استقلال، مصلحت‌گرایی و میانه‌روی از سوی سلطان بود.

دهه ۱۹۸۰

در ۱۹۸۱ عمان همراه با عربستان سعودی، کویت، بحرین، قطر و امارات متحده عربی، شورای همکاری خلیج فارس (GCC) را شکل دادند. شورای همکاری خلیج فارس تا حدی در پاسخ به تهدیدی که به دلیل جنگ ایران و عراق برای امنیت خلیج فارس به وجود آمده بود شکل گرفت (۱۹۸۰-۸۸). برخلاف عربستان سعودی و کویت که آشکارا از عراق حمایت کرده و مخالف ایران بودند، عمان پیوندهای مثبت خود با هر دو کشور در حال جنگ را حفظ نمود.

هنگامی که در اوایل ۱۹۸۷ دولت ریگان تصمیم گرفت تانکرهای نفتی کویت را مجدداً پرچم بگذارد، مسقط با این تصمیم مخالفت کرد. عمان نگران بود که مداخله نظامی امریکا در خلیج فارس ممکن است منجر به جنگ بین امریکا و ایران شود (و برخوردهای مکرر دریایی بین دو طرف در طول عملیات پرچم زدن مجدد در ۱۹۸-۸۸ رخ داد) یا یک تراژدی اتفاق بیفتد (همان طور که در ژوئیه ۱۹۸۸ اتفاق افتاد که وینسنس USS یک ایرباس ایرانی را تیرباران کرده و همه مسافران غیرنظامی آن را کشت). با اینحال عمان پذیرفت پشتیبانی لجستیکی برای عملیات اسکورت دریایی امریکا فراهم کند. اما عمان به بازگرداندن ایرانیان دستگیر شده به میهن در نزاع‌های دریایی با نیروی دریایی امریکا در خلیج نیز کمک کرد. مسقط همچنین پیشنهاد همیشگی به امریکا برای وساطت جهت بهبود روابط امریکا-ایران را توسعه داد. (Sorenson, 2018)

دهه ۱۹۹۰

به دنبال تهاجم عراق به کویت در اوت ۱۹۹۰، عمان و دو کشور دیگر شورای همکاری خلیج فارس آشکارا، فعالانه و مشتاقانه برای آزادسازی کویت با امریکا همکاری نظامی به



عمل آوردند. متعاقباً مسقط رژیم تحریم های سازمان ملل علیه عراق در دهه ۱۹۹۰ را پشتیبانی کرد. اما همزمان در سراسر دهه ۱۹۹۰ و بحران سازمان ملل-عراق درباره بازرسی های سلاح، عمان مخالف اقدام نظامی برای مجبور کردن عراق به تسلیم در برابر بازرسی های قابلیت های تسلیحاتی اش توسط کمیسیون ویژه سازمان ملل بود (UNSCOM).

در ۱۹۹۳ دولت کلینتون آشکارا سیاست «سد نفوذ دوگانه» را در خلیج فارس با هدف عراق و ایران به کار گرفت. ایران تبدیل به نگرانی اصلی واشتنگتن شده بود؛ در ۱۹۹۶، کنگره امریکا ماده تحریم های ایران-لیبی (ILSA) و تجدید و تعدیل هایی بر ماده تحریم های ایران (ISA) را در ۲۰۰۶ تصویب کرد که به نظر رسید به دنبال تغییر رژیم در تهران است. با اینحال عمان با وجود تداوم نگرانی مسقط درباره مقاصد نهایی ایران در خلیج، به روابط دیپلماتیک و تجاری عادی خود با تهران ادامه داد. از سوی دیگر عمان تا حد زیادی چشم خود را بر قاجاقچیان ایرانی در قایق موتوری های زرد رنگ شان که تجارت «پنهان» خود را در تنگه هرمز انجام می دادند بست. مقصد مطلوب آنها برای خرید کالا و قاجاق، شهر خصب در شبه جزیره مسندم است.

در میانه دهه ۱۹۹۰، عمان نقش برجسته ای میان کشورهای عرب داشته و تلاش کرد پلی دیپلماتیک با اسرائیل بسازد. در آوریل ۱۹۹۴، میزبان جلسه مذاکرات چندجانبه مادرید درباره نمک زدایی آب و د که توسط مقامات عرب و اسرائیلی برگزار شد. سپتامبر همان سال همراه با دیگر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، از دومین و سومین تحریم اقتصادی اسرائیل کناره گیری کرد، و در دسامبر ۱۹۹۴ اولین کشور خلیج بود که میزبان اسحاق رابین نخست وزیر اسرائیل شد. اکتبر همان سال عمان و اسرائیل دفاتر تجاری را در کشورهای خود افتتاح کردند که نشان می داد عمان، اولین تحریم اسرائیل

توسط عرب را ترک گفته است. سپس به دنبال ترور رایین در آوریل ۱۹۹۶، میزبان شیمون پرز نخست وزیر اسرائیل شد.

### قرن بیست و یک

پس از فوران دومین انتفاضه در سپتامبر ۲۰۰۰، مسقط با وجود بستن دفاتر تجاری اسرائیلی خود در عمان و دفاتر خودش در اسرائیل، حامی فرایند صلح باقی ماند. عمان به صورت رسمی از روش میانه روی محمود عباس رییس جمهور فلسطین حمایت کرده و از برنامه صلح ۲۰۰۲ عرب (ملک عبدالله) پشتیبانی نمود. با وجود عقب نشینی های دیپلماتیک و رکود در مذاکرات صلح فلسطین، سوریه و لبنان در سال های اخیر، مقامات عمانی به شکل غیررسمی ملاقات با اسرائیلی ها را ادامه داده اند. در جلسه آوریل ۲۰۰۸، یوسف بن علوی بن عبدالله وزیر امور خارجه عمان به تسیبی لیونی وزیر امور خارجه اسرائیل اطلاع داد دفتر تجاری اسرائیلی در عمان تا زمانی که توافق به ایجاد دولت فلسطین دست یابد، بسته باقی خواهد ماند. بعضی ناظران این واقعیت را تفسیر کردند که این ملاقات مستقیم با مقامات اسرائیل، به طور کلی به منظور نوعی دسترسی دیپلماتیک عمان به اسرائیل صورت گرفت.

سیاست خارجی عمانی ها به دنبال اجتناب از دشمن سازی غیرضروری در خلیج فارس بوده و مسقط اساساً مخالف تصمیم دولت بوش به حمله به عراق در مارس ۲۰۰۳ بود، هرچند وقتی امریکا در ۱۹۸۷-۸۸ اقدام به تغییر پرچم کشتی های کویت کرد، عمان در سکوت، کمی پشتیبانی نظامی لجستیکی فراهم کرد. به دنبال حمله امریکا به عراق، یکبار دیگر مصلحت گرایی در مسقط نقش ایفا کرد. مقامات عمانی نقد عمومی درباره اشغال عراق توسط امریکا را ممنوع کرده اند. آنها متوجه شدند افزایش ثبات منطقه در این محیط

به شدت در حال تغییر، نیاز به ثبات در عراق دارد. هنگامی که این ماموریت به پایان برسد، امریکایی ها باید عراق را ترک کنند.

### شورای همکاری خلیج فارس

از ۱۹۷۰ زمانی که قابوس بن سعید قدرت را در دست گرفت، نقش عمان در پویایی سیاسی منطقه ای افزایش یافته است. گرچه این کشور از سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اپک) بیرون باقی ماند، از زمان شکل گیری شورای همکاری خلیج فارس در مه ۱۹۸۱ به عضویت آن درآمده است. در اواخر دهه ۱۹۷۰، مسقط در بحث هدفمند درباره شکلگیری شورای همکاری خلیج فارس (GCC) به کشورهای عضو در آینده هشدار داد تبدیل شدن به یک اتحاد ضد ایران، برای منافع امنیتی طولانی مدت خلیج زیان بخش است. عمان در مقابل تلاش برای تبدیل گروه شش کشور به یک اتحاد اقتصادی و سیاسی مقاومت کرده است، و نگران است که چنین اتحادی تحت سلطه عربستان سعودی در خواهد آمد. این کشور از اقدامات نظامی گروه نیز کناره گیری کرده است، با وجود اینکه یکبار تشکیل ارتش متحد را پیشنهاد کرده بود. سربازان تجهیز شده عمان در برخورد با معترضین بحرین در ۲۰۱۱ (یک عضو دیگر شورا) به دیگر نیروهای GCC نپیوسته و در حملات هوایی به سوریه و یمن نیز شرکت نکردند.

عمان نمی تواند همسایگانش را به کل نادیده بگیرد، تا حدی به این دلیل که بیشتر آنها نفت بیشتری دارند. ۸۰ درصد درآمد این کشور بر نفت متکی است و به همین علت عربستان را به دلیل پایین نگه داشتن بهای نفت و ترغیب کشورهای عضو اپک به کاهش یکجانبه تولید، مورد نقد قرار داده است. همچنین برای ارائه مشاغل بیشتر و درآمد بالاتر در

پاسخ به اعتراضات ۲۰۱۱، به کمک شورای همکاری خلیج فارس متمایل است. (Cafiero, Yefet: 2016)

پس از کودتای ۱۹۷۰، قابوس بن سعید به دنبال بهبود و عادی سازی روابط با عربستان سعودی برآمد. به دنبال ملاقات سلطان و پادشاه در دسامبر ۱۹۷۱، روابط رسمی برقرار شد. یک توافق در ۲۹ ژوئیه ۱۹۷۴ میان عمان، عربستان سعودی و امارات متحده عربی، نزاع البریمی را حل و فصل نمود. این توافق تصریح نمود عمان سه دهکده منطقه را دریافت خواهد کرد و ابوظبئی شش دهکده دریافت می کند و دو کشور میدان نفتی شبیه را سهم خواهند بود. توافق سبب شد یک خروجی در خلیج برای عربستان از طریق قلمرو امارات فراهم شود. با کشف ذخایر نفتی در خلیج، پتانسیل عایدات واحه ال بریمی سبب شد عربستان برای مطالبات خود نسبت به اراضی مورد منازعه فشار وارد آورد. ریاض سربازانی را گسیل داشت که در ۱۹۵۲ این ناحیه را اشغال کردند. انگلیسی ها پس از ناتوانی در بردن ادعایشان در دادگاه بین الملل، با استفاده از ارتش سلطان و پیشاهنگ های ساحل مصالحه عمان، یک بار دیگر در ۱۹۵۵ واحه را اشغال کردند. گرچه سازمان به این عمل انگلیس اعتراض کرد، امریکا آماده توسعه کمک نظامی خود برای عربستان سعودی جهت معکوس سازی شرایط نبود. از اوایل دهه ۱۹۵۰ به بعد، عربستان سعودی پایگاهی فراهم کرد که امام اباضیه از طریق آن بتواند قدرت خاندان ابو سعید را به چالش بکشد.

در دوره شورش ظفار، عمان پشتیبانی مالی قابل توجهی از عربستان سعودی، امارات، و کویت دریافت کرد، کشورهایی که از پیشرفت جنبش های چپی ضد سلنت می ترسیدند. در مارس ۱۹۹۰، عربستان سعودی و عمان یک معاهده مرزی را برای مشروعیت بخشی به خط اعلام شده موجود جهت جداسازی دو کشور، رسمی ساختند.

با اینحال عمان هنوز به ائتلاف عرب با رهبری سعودی برای جنگ با نیروهای حوثی تحت پشتیبانی ایران در یمن نپیوسته است. عمان نیروی نظامی برای صف آرای «سپر جزیره» در ۲۰۱۱ در بحرین برای کمک به رژیم الخلیفه جهت مقابله با شورش های آنجا تامین نکرد. (Metz, 1994) عمان مخالف اقدام ژوئن ۲۰۱۷ با رهبری سعودی جهت منزوی ساختن قطر به دلیل بعضی اختلافات سیاسی بود، و در عوض از تلاش های کویت و امریکا برای حل این شکاف حمایت کرد. یوسف علوی دیپلمات ارشد عمانی چندین بار از واشنگتن دی سی دیدار کرده که تازه ترین آن در اواخر ژوئیه ۲۰۱۸ برای همکاری با مقامات امریکایی جهت حل این شکاف بود. دیپلمات های عمانی امیدوار بودند اجلاس سالانه شورای همکاری خلیج فارس در ۵-۶ دسامبر ۲۰۱۷ پیشرفت هایی درباره این منازعه ایجاد کند، اما این اجلاس در ۵ دسامبر ۲۰۱۷ پس از دو ساعت گفتگو، به وقت دیگری موکول شد. قبول، البته به دلیل اوضاع نابسامان جسمانی در این جلسه حضور نداشت.

عمان با طرح پیشنهادی ۲۰۱۲ سعودی برای اتحاد سیاسی میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به عنوان نشانه ای از انسجام شورای همکاری خلیج فارس در مقابل برنامه ایران مخالف بوده و حتی فراتر رفته و تهدید کرد اگر برنامه اجرایی شود، به کلی از شورای همکاری خلیج فارس عقب نشینی می کند. دیگر رهبران شورای همکاری خلیج فارس نیز به همین میزان نگران واگذاری حاکمیت خود هستند و زمانی که این طرح یکبار دیگر در اجلاس شورای همکاری خلیج فارس در دسامبر ۲۰۱۶ مطرح شد، قبول نشد. در ۲۰۰۷ عمان اساسا در امتناع از پذیرش برنامه ای برای شکل دادن اتحاد پولی در شورای همکاری خلیج فارس تنها ماند. تاخیر در منازعات مرزی، به روابط عمان-امارات نیز شیوع

کرد؛ دو کشور مرزهای خود را در ۲۰۰۸ تقریباً یک دهه پس از توافق مرزی موقت در ۱۹۹۹، نهایی کردند.

## عمان به عنوان واسطه بین ایران و امریکا

مقامات امریکایی به جای انتقاد از عمان به دلیل روابطش با ایران، از رابطه دو کشور برای توسعه روابط با مقامات ایرانی استفاده کرده اند. میانجیگری عمان سبب شد توافق موقت هسته ای در ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳ بین ایران و کشورهای ۵+۱ (امریکا، انگلیس، فرانسه، روسیه، چین و آلمان) و ژوئیه ۲۰۱۵ (برنامه اقدام جامع مشترک (JCPOA)) تسهیل شود. گزارش های مطبوعات نشان می دهند ویلیام برنز معاون وزیر خارجه و دیگر مقامات امریکا دیدارهای پنهانی با مقامات ایران را از اوایل ۲۰۱۳ آغاز کردند- پیش از انتخاب حسن روحانی میانه رو به ریاست جمهوری در ژوئن ۲۰۱۳- که در پی احتمال رسیدن به توافق هسته ای بود. جلسات پس از ملاقات سلطان قابوس در ۲۵-۲۷ اوت ۲۰۱۳ از ایران تسریع شد. در نوامبر ۲۰۱۴ جان کری وزیر خارجه وقت امریکا با محمد جواد ظریف وزیر خارجه ایران در مسقط دیدار کرد تا پیشرفت مذاکرات را پس از جلسه ای در مسقط بین تمام مذاکره کنندگان ایرانی و کشورهای ۵+۱ تسریع کند. دور دیگر گفتگوهای ایران و پنج بعلاوه یک، متعاقباً در عمان برگزار شد و JCPOA در ژوئیه ۲۰۱۵ نهایی شد. در دسامبر ۲۰۱۵ عمان میزبان جلسه ای بین دو مذاکره کننده اصلی JCPOA، ارنست مونیز وزیر انرژی امریکا و علی اکبر صالحی رییس سازمان انرژی اتمی ایران بود که درباره اجرای JCPOA بحث کردند. در نوامبر ۲۰۱۶، ایران به منظور کاهش ذخیره آب سنگین

خود به کمتر از مقدار مجاز در برجام و مطابقت از شروط توافق، ۱۱ تن آب سنگین خود را به عمان صادر کرد.

بانک های عمان که بعضی از آنها نیز در ایران کار می کنند برای اجرای بعضی تنظیمات مالی JPA و JCPOA به کار رفت. در نتیجه، مقدار کل ۵,۷ میلیارد دلار از منابع مالی ایرانیان در زمان اجرای برجام در ژانویه ۲۰۱۶ در بانک مسقط عمان ذخیره شد. ایران در تلاش برای دستیابی آسان به این منابع مالی، مجوز ویژه تبدیل سرمایه به دلار (که به ریال عمان نگهداری می شد) را به عنوان ابزاری برای تبدیل آسان سرمایه اش به یورو در فوریه ۲۰۱۶ از «اداره کنترل دارایی های خارجی وزارت خزانه داری» کسب کرد (OFAC). ایران در نهایت از مکانیزم متفاوتی که به سختی ارز بود برای دسترسی به منابع مالی استفاده کرد، اما صدور مجوز ویژه منجر به تجدید نظر اکثریت کمیته فرعی دائمی سنا درباره تحقیقات ارزیابی این مسئله در مه ۲۰۱۸ شد که آیا مجوز با مقررات امریکا جهت استثنا کردن دسترسی ایران به سیستم مالی امریکا سازگار است یا خیر.

عمان واسطه مبادله زندانیان بین ایران و امریکا نیز بوده است. عمان واسطه مبادله دستگیر شدگان ایرانی در طول زدوخوردهای ایران-امریکا در خلیج فارس در ۱۹۸۷-۱۹۸۸ نیز بوده است. در ۲۰۰۷ عمان به آزاد شدن ۱۵ ملوان انگلیسی که متحد نزدیک امریکاست و از آبهای شط العرب دستگیر شده بودند نیز کمک کرد. مقامات وزارت خارجه امریکا به صورت عمومی اعلام کردند عمان واسطه آزاد شدن سه راه پیمایی کننده امریکایی (سارا شورد، جاش فاتال، و شان باثور) در سال ۲۰۱۰-۲۰۱۱ از ایران بوده است که تا حدی با پرداخت ۵۰۰۰۰۰ دلار وثیقه هر فرد به مقامات ایرانی صورت گرفت. در آوریل ۲۰۱۳، واسطه عمانی آزادی مجتبی عطاردی که در ۲۰۱۱ به دلیل تدارک تجهیزات

هسته ای برای ایران در امریکا دستگیر شده بود گشت. جان کری وزیر خارجه وقت امریکا در ملاقات ۲۰۱۳ خود از عمان به دنبال کمک عمان برای کسب آزادی ملیت های ایرانی- امریکایی که در ایران دستگیر شده بودند و تعیین سرنوشت رابرت لوینسون نماینده بازنشسته FBI بود که در ۲۰۰۷ در جزیره کیش ایران ناپدید شده بود. (Neubauer, 2016)

ملاقات بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل از عمان در ۲۵ اکتبر ۲۰۱۸ ممکن است در جهت تلاش اسرائیل برای برقراری ارتباط غیرمستقیم با ایران درباره سوریه، لبنان و دیگر مباحث مورد منازعه باشد. به این ترتیب ممکن است اسرائیل به دنبال کسب منفعت از روابط عمان با ایران به شیوه ای مشابه آنچه امریکا استفاده می کند بوده است.

### عمان، ایران و یمن

منافع عمان و ایران در همسایگی یمن تا حدی در تضاد با یکدیگر است. ایران آشکار از رابطه خود با عمان و مرز پر منفذ این کشور با یمن برای قاچاق سلاح به شورشیان حوثی در این کشور بهره برده است. روابط عمان با یمن از گذشته دچار مشکل بوده و نگرانی های عمان به دنبال بازگشت مجدد یمن به نزاع افزایش یافته است. یک ابتکار در سطح شورای همکاری خلیج فارس به شکل دهی انتقال صلح آمیز حکومت علی عبدالله صالح در ۲۰۱۱-۲۰۱۲ کمک کرد. در حال عبور هادی جانشین صالح در ۲۰۱۵ توسط شورشیان شیعه مذهب حوثی از صنعا بیرون رانده شد و قدرت مرکزی تجزیه گشت. القاعده در شبه جزیره عربی که وابسته یمنی القاعده است (AQAP) نیز به عملیات خود در آنجا ادامه داد. عمان تا حد زیادی مرز خود با یمن را از ۲۰۱۵ بسته است و کمپ های پناهندگان را نزدیک مرز ساخته است. (Warnaar, Zaccara, Aarts, 2016)



بی ثباتی کنونی یمن، سابقه ای طولانی از مشکلات در روابط عمان-یمن را به وجود آورده است. جمهوری دموکراتیک خلق سابق در یمن (PDRY) که مارکسیست و طرفدار شوروی در نظر گرفته می شود از شورش ظفار عمان حمایت کرد. (Barrett, 2011) روابط عمان-PDRY در ۱۹۸۳ عادی سازی شد، اما دو کشور بعداً در همان دهه برخوردهایی در مرزهای خود داشتند. روابط پس از ۱۹۹۰ که PDRY با یمن شمالی ادغام شد و جمهوری یمن شکل گرفت، بهبود یافت.

از آنجا که تنها کشور شورای همکاری خلیج فارس که به ائتلاف با رهبری عربستان برای جنگ جهت بازگرداندن دولت هادی وارد نشده عمان است و نیز با توجه به ارتباطات این کشور با ایران، این کشور تبدیل به واسطه ای در نزاع یمن شده است. مامور ویژه سازمان ملل در یمن، مارتین گریفیتز در آوریل ۲۰۱۸ به عنوان بخشی از سفر آغازین خود از منطقه از عمان دیدار کرده و این کشور را «ایفاگر نقش محوری در همه تلاش های ما برای کمک به مردم یمن» توصیف کرد. عمان میزبان گفتگوهای بین دیپلمات های امریکایی و نمایندگان حوثی بوده، و واسطه آزادسازی چندین زندانی در آنجا شد، از جمله آزادی تکاور دریایی امریکا در نوامبر ۲۰۱۶ که توسط حوثی ها در آوریل ۲۰۱۵ دستگیر شد. در طول ۲۰۱۵-۲۰۱۷، وساطت عمان تضمینی بر آزادی یک امریکایی دیگر، یک زندانی فرانسوی، یک استرالیایی و یک کشیش هندی از یمن شد. در اواخر ۲۰۱۸ عمان تلاش کرد آزادی محمود ال سوئیاحی وزیر دفاع یمن را تضمین کند که از ۲۰۱۴ توسط حوثی ها دستگیر شده بود.

مداخله ایران در یمن موجب موشکافی بین المللی بیشتر درباره روابط ایران و عمان شده است. گفته می شود دولت عمان مدت هاست چشم خود را به روی قاجاق گسترده

کالاهای مختلف به ایران از اراضی شبه جزیره مسندم بسته است. قاچاقچیان از پرداخت مالیات در ایران اجتناب می کنند، اما دولت محلی عمان مالیات کالاهای حمل شده را دریافت می کند. دست کم از اواخر ۲۰۱۶، گزارش های رسانه ها نشان داده ایران از اراضی عمان برای قاچاق سلاح به یمن استفاده کرده و از ۱۷۹ مایل مرز پر منفذ و با جمعیت پراکنده بین دو کشور برای این کار بهره برده است. گفته می شود اقلام قاچاق شامل موشک های ضد کشتی (که گفته شده بعضی از آنها برای هدفگیری کشتی های امریکا استفاده شده است)، موشک های کوتاه برد سطح به سطح، سلاح های کوچک و مواد منفجره می باشد. بعضی گزارش ها نشان می دهد وسایل نقلیه هوایی بدون سرنشین (UAV) که توسط نیروهای حوثی در یمن استفاده شده ساخت ایران است و ممکن است از طریق عمان به یمن رسیده باشد. گزارش های متوالی هیئت متخصصان سازمان ملل متعاقب تصمیم ۲۱۴۰ (۲۰۱۴) دو مسیر زمینی را مشخص کرده که از مرز عمان تا نواحی تحت کنترل حوثی ها در غرب و بندرهای عمان وجود دارد و دسترسی جاده ای به مرز یمن برای کانال های احتمالی قاچاق سلاح را ممکن می سازد. (Barrett, 2016)

مقامات عمانی این ادعاها را رد می کنند و بعضی ناظران تصریح می کنند این ادعاها با توجه به فاصله طولانی سلاح ها باید به صورت زمینی در اراضی ای حمل شوند که تحت کنترل حوثی ها نیست، غیرمحمتمل به نظر می رسد. در مارس ۲۰۱۸، جیمز ماتیس وزیر دفاع امریکا از عمان دیدار کرد که نشان می دهد مبحث مورد استفاده قرار گرفتن قلمرو عمانی برای تامین سلاح حوثی ها، در ملاقات های وی از عمان بحث شده است. ماتیس در مسیر خود به سمت عمان در پاسخ به پرسشی درباره سلاح هایی که به یمن قاچاق می شود، پاسخ داد عمانی ها نگرانی هایی درباره امنیت دارند که نگرانی ما نیز هست. من به آنجا می

روم تا گوش دهم و متوجه شوم آنها این مسئله قاچاق را چگونه ارزیابی می کنند. ارزیابی خودشان چیست؟ دیدگاه آنها درباره مسیرهای قاچاق و مسائلی از این دست چیست؟ از زمان این دیدار به بعد مقامات عمان اظهار داشتند «پرونده» تسلیحات قاچاق ایران به حوثی ها از طریق قلمرو عمان «بسته» شده است، که نشان می دهد عمان قاچاق از کشور خود را متوقف کرده است.

در مه ۲۰۱۸، وزیر خارجه امریکا از قصد خود برای الزام تامین سرمایه «برنامه های منع سلاح هسته ای، ضد تروریسم، مین زدایی و غیره» (NADR) جهت برنامه ریزی مقابله با تروریسم در یمن و عمان به کنگره اطلاع داد، که شامل «برنامه ترفیع امنیت مرزی عمان» می شود، برنامه ای که بر توسعه و ترفیع قابلیت های امنیت مرزی عمان در خط مرزی عمان-یمن تمرکز دارد. «ماده اختیارات دفاع ملی ۲۰۱۹»، اختیارات را توسعه داد تا منابع مالی مورد نیاز عمان را تحت بخش ۱۲۲۶ از FY2016 NDAA برای ایمن سازی مرز آن با یمن را تهیه کند.

### همکاری علیه دولت اسلامی و همکاری درباره سوریه و عراق

رهبران عمان نیز مانند رهبران دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس تصریح می کنند دولت اسلامی، تهدید اصلی منطقه است. در جلسه ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۴ در عربستان سعودی، همه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به ائتلاف ضد دولت اسلامی به رهبری امریکا پیوستند و عمان، استفاده از پایگاه های هوایی خود برای اهداف ائتلاف را پیشنهاد کرد. برخلاف چند کشور شورای همکاری خلیج فارس، عمان حمله هوایی علیه این گروه انجام نداد.

در جنگ داخلی سوریه، شاید به دلیل روابط این کشور با ایران، عمان از مداخله علیه رئیس جمهور بشار اسد، متحد نزدیک ایران اجتناب کرده در عوض بر میانجیگری تمرکز کرد. گزارشی مبنی بر تامین سرمایه یا سلاح از سوی عمان برای گروه های شورشی ضد اسد در سوریه دریافت نشده است. عمان در ۲۰۱۱ برای تعلیق عضویت سوریه در اتحادیه کشورهای عرب و بستن سفارت عمان در دمشق به دیگر کشورهای عرب پیوست. در اوت ۲۰۱۵، عمان میزبان وزیر خارجه سوریه جهت گفتگوهایی درباره راه حل های سیاسی احتمالی برای نزاع سوریه بود، و در اکتبر ۲۰۱۵ یوسف علوی وزیر امور خارجه عمان از دمشق دیدار کرد تا پیام امریکا را به اسد برساند. عمان در جلسات چندجانبه درباره نزاع سوریه در اواخر ۲۰۱۵ در وین شرکت کرد که شامل بیشتر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، قدرت های مهم اروپایی، روسیه، چین، امریکا و ایران بود. در طول ۲-۳ فوریه ۲۰۱۶، سرگی لاوروف وزیر خارجه روسیه از مسقط دیدار کرد تا درباره سوریه و دیگر مباحث منطقه ای بحث کنند.

هیچ یک از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس حملات هوایی علیه جنگنده های دولت اسلامی در عراق را متعهد نشد. کشورهای شورای همکاری خلیج فارس معمولاً درباره کمک به دولت عراق پس از صدام با اکثریت شیعه مقاومت می کنند. عمان پس از برکناری صدام در ۲۰۰۳ سفارت خود در عراق را باز کرد اما به دنبال تیراندازی خارج از سفارت در نوامبر ۲۰۰۵ که چهار نفر از جمله کارکنان سفارت مجروح شدند، به مدت چند سال سفارتخانه را بست. سفارتخانه در ۲۰۰۷ بازگشایی شد اما سفیر عمان در عراق در مارس ۲۰۱۲ منصوب شد که ساکن اردن است و همزمان در این کشور نیز خدمت می کند. عمان مقدار کمی از تامین مالی بازسازی عراق پس از صدام را تهیه کرد.

## نتیجه گیری

سلطان قابوس به عنوان یک حاکم مطلق، بازیگر اصلی در دولت عمان محسوب می شود. وی با هدایت جهت گیری سیاست خارجی سلطنت، سازگاری زیادی در زمان های ناآرامی های بزرگ منطقه ای و نیز در دوران آرامش نسبی ایجاد کرده است. در مرکز این سازگاری می توان شاهد تلاش سلطان قابوس برای ترفیع اتحاد داخلی و منطقه ای و همچنین حفظ استقلال سیاسی بود.

عمان همچون گذشته از حضور نظامی مستقیم در نزاع های منطقه ای اجتناب کرده و در عوض نقش میانجی را برای حل این نزاع ها بر عهده گرفته است. از آنجا که مسقط در چند دهه گذشته مخالف بعضی سیاست های مشخص امریکا در خلیج فارس بوده است اما از رابطه خود با امریکا هرگز نکاسته است. به نظر می رسد سلطان با اصول زیر عمل می کند: درحالیکه ممکن است با دوستان تان مخالف باشید، با اینحال هنوز باید سعی کنید به نوعی از آنها حمایت کنید، حتی اگر اقدام آنها از نظر داخلی یا در منطقه اساسا مورد اختلاف است - که در این صورت فقط سعی کنید از آنچه انجام می دهید صحبت نکنید.

تاکید سلطان قابوس بر استقلال و اتحاد می تواند در نتایج سیاست خارجی سلطنت مشاهده شود. سلطان قابوس به سازگاری با کلیه طرف های منطقه ای پرداخته و سعی در پیشبرد سیاست خود که حفظ پیوندهای خوب با همه طرفین به عنوان ابزاری برای ترفیع هماهنگی ها باشد داشته باشد.

موضع بی طرف مسقط درباره منازعات ارضی در منطقه، نشان دهنده منافی است که با چنین روشی در سیاست خارجی به دست می آورد. عمان از روابط سیاسی خود با کشورهای خلیج فارس حفاظت می کند و در عین حال حافظ منافع پیوندهای دوجانبه خود با ایران نیز

هست. همچنین استقلال خود را ترفیع داده و مانند حصارى بين ايران و رياض قرار می گیرد. مسقط استراتژی های متعادل کننده مشابهی را با سیاست «نه شرقی نه غربی» دنبال می کند. موضع سیاست خارجی سلطان قابوس این بوده که تلاش دارد از موضع بی طرفی به عنوان ابزاری برای متحد ساختن کشورها از طریق گفتگو و وساطت استفاده کند.

در نهایت سیاست خارجی عمان می تواند به دو شیوه در نظر گرفته شود. سیاست خارجی آن انعکاسی از قدرت محدود این کشور به عنوان کشور کوچکی است که تلاش دارد بر ناامنی ها غلبه کند. با اینحال متفاوت از سایر کشورهای کوچک منطقه که عمل می کند البته باید نقش عوامل داخلی که از نظر این کشور تهدید محسوب میشود را در این تفاوت رفتار در نظر گرفت. این هویت ملی عمان - حاصل تاریخ سیاسی آن - است که سیاست خارجی متمایز آن را پی ریزی می کند.

قابوس همچنان از محبوبیت گسترده ای برخوردار است که سبب می شود عمان بتواند بر رشد اقتصاد داخلی خود تمرکز کرده و به گذار اقتصادی این کشور کمک می کند. با توجه به این میراث مثبت، احتمال دارد هر شخصی که جانشین قابوس شود، روش های سیاست خارجی پایه او را دست کم در ابتدای کار ادامه دهد. در حال همچنان که قابوس با موفقیت در مقابل تلاش های متعدد عربستان سعودی برای نزدیک تر کردن عمان به مدار حمایتی خود مقاومت کرده، ممکن است بی طرفی این کشور به دلیل گسترده شدن تفرقه افکنی های داخلی تغییر کند. در حال حاکم بعدی می تواند به تاسیسات برتر دفاعی و سیاست خارجی قابوس تکیه کند، از جمله ژنرال سلطان بن محمد النعمانی رییس دفتر سلطنتی که از روابط شخصی خود با رهبران منطقه برای اطمینان از پشتیبانی بین المللی بعنوان سلطان بعدی استفاده خواهد کرد.

از سوی دیگر، ممکن است در دوران پس از قابوس موضع عمان به عنوان یک میانجی منطقه ای به شکل قابل توجهی ضعیف شود، چرا که سیاست خارجی منحصر به فرد این کشور مستقیماً به قابوس یا رهبر آن نسبت داده می شود نه به کشور عمان. سلطان جدید ضرورتاً از سوی مردم و رهبران منطقه آزموده نشده است و بنابراین مجبور است احترامی که قابوس در چهار دهه حضور خود در قدرت کسب کرده را به دست آورد. بعید است این عوامل به خودی خود بر روش سیاست خارجی کلی این کشور تاثیر بگذارد اما احتمالاً در نقشی که سلطان بعدی به عنوان واسطه ای منطقه ای ایفا خواهد کرد تاثیرگذار خواهد بود. به این ترتیب سیاست خارجی بی طرف عمان احتمالاً ادامه خواهد یافت، به ویژه از آنجا که سلطنت، متحدانی در شورای همکاری خلیج فارس و جامعه بین الملل به دست آورده که از سیاست «دوستی با همه و دشمنی با هیچ کس» که این کشور اجرا می کند نفع می برند.



## منابع

- 1) Korany, B., & Dessouki, A. E. (1991). The foreign policy of Arab states. The Challenge of Change, Oxford.
- 2) Jones, J., & Ridout, N. (2015). A history of modern Oman. Cambridge University Press.
- 3) Lefebvre, J. A. (2010). Oman's foreign policy in the twenty-first century. Middle East Policy, 17(1), 99.
- 4) Manea, E. (2005). Regional Politics in the Gulf: Saudi Arabia, Oman, Yemen. Saqi Books.
- 5) Owtram, F. (2004). A modern history of Oman: Formation of the state since 1920 (Vol. 30). IB Tauris.
- 6) Sorenson, D. S. (2018). An introduction to the modern Middle East: History, religion, political economy, politics. Routledge.
- 7) Cafiero, G., & Yefet, A. (2016). Oman and the GCC: A Solid Relationship? Middle East Policy, 23(3), 49-55.
- 8) Metz, H. C. (1994). Persian Gulf States: Country studies. Washington, DC: US Government Printing Office.
- 9) Neubauer, S. (2016). Oman: The Gulf's Go-Between. Arab Gulf States Institute in Washington, (1).
- 10) Warnaar, M., Zaccara, L., & Aarts, P. (Eds.) (2016). Iran's Relations with the Arab States of the Gulf: Common Interests Over Historic Rivalry. Gerlach Press.
- 11) Barrett, R. C. (2011). Oman: the present in the context of a fractured past (No. JSOU-11-5). JOINT SPECIAL OPERATIONS UNIV MACDILL AFB FL.